

گونه‌شناسی فضاهای باز عمومی مدینه در دو شهر فاس و مکناس*

شینا ص برنجی
پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تربیت مدرس.

shina.sadberenji@gmail.com

چکیده

فضاهای باز عمومی شهری نقش مهمی در پیوند عناصر تشکیل دهنده شهر داشته و عامل حیاتی شهر محسوب می‌شوند. بافت قدیم شهرهای کشور مراکش که موسوم به مدینه هستند به دلیل حفظ ساختار اصیل خود، الگوهای مناسبی برای شناخت و تحلیل فضاهای باز حیات بخش را دربردارند. در میان شهرهای کشور مراکش، فضاهای باز عمومی دو شهر فاس و مکناس نمونه موردهای مورد بررسی در پژوهش حاضر است. در بازدید از مدینه دو شهر فاس و مکناس تفاوت چشم‌گیری در فضای باز عمومی این دو شهر دیده شد. فضای باز عمومی در این بخش از شهر مکناس با مقیاس‌های وسیع‌تر و نسبتاً هندسی شکل یافته است در حالیکه این نوع از فضای باز در مدینه شهر فاس دیده نمی‌شود و اغلب فضاهای باز عمومی، هندسه‌ای ارگانیک دارند. این تفاوت‌ها نگارنده را بر آن داشت برای شناخت بهتر از فضاهای باز عمومی در این دو شهر (مدینه‌ها) با بررسی و تحلیل مشاهدات میدانی به گونه‌شناسی این نوع فضاها دست یافته، چگونگی آن‌ها را جستجو کند.

انتخاب این دو شهر به دلیل اشتراکاتی چون پایتخت بودن هر دو شهر در دوره‌هایی از تاریخ مراکش، ثبت هر دو بافت در فهرست آثار تاریخی یونسکو و قرار گرفتن هر دو در یک محدوده جغرافیایی از یک‌سو و تفاوت‌های ساختاری در فضاهای باز عمومی آن‌ها از سوی دیگر صورت گرفته است. شهر فاس با تاریخی کهن و شهرسازی‌ای منسوب به نوادگان امام حسن مجتبی (ع) به عنوان یک کهن‌الگوی اسلامی و شهر مکناس به دلیل دربرداشتن نمونه‌های کامل‌تری از فضای باز عمومی در مدینه، حایز اهمیت هستند.

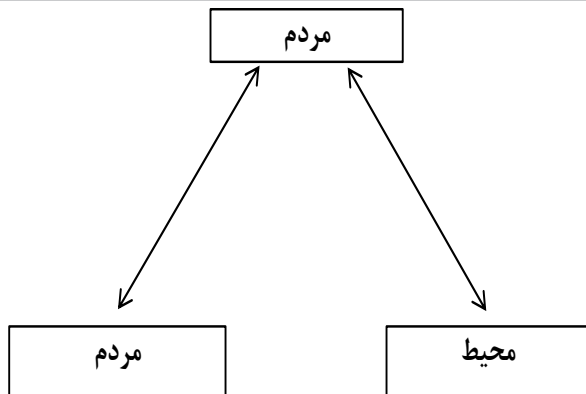
این تحقیق با هدف رسیدن به یک گونه‌شناسی برای فضای باز عمومی در دو شهر فاس و مکناس که حاصل از تجربه حضوری در فضا و در مقیاس مدینه هر دو شهر، تلاش می‌کند زمینه را برای کشف و شناخت عمیق‌تر از زندگی ساری و جاری در این کالدها فراهم کرده و بسترساز تحقیقات آتی پیرامون چرایی شکل‌گیری این تفاوت‌ها باشد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مبتنی بر مشاهدات میدانی و تکمیل اطلاعات بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

بررسی و تحلیل انواع فضاهای باز عمومی در فاس و مکناس نشان می‌دهد فضاهای باز عمومی در مدینه این دو شهر را می‌توان در گونه‌های زیر دسته‌بندی کرد: میادین موجود در بافت مدینه، فضاهای باز مقابل بناهای شاخص، فضاهای باز در محل تقاطع چندین معبر و فضای باز (نیمه باز) در واحدهای همسایگی. فضاهای باز مقابل بناهای شاخص و فضاهای باز در محل تقاطع معابر خود زیر گونه‌هایی را شامل می‌شود. مقاله حاضر چگونگی این فضاهای باز و عناصر موجود در هر یک از آن‌ها را بررسی و تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی

فضای باز عمومی، گونه‌شناسی، مدینه، مکناس، فاس.

مقدمه



شکل ۱. فضای باز عمومی بسترساز ارتباط محیط و مردم؛ و مردم با مردم.
مأخذ: نگارنده.

به گونه‌شناسی‌ای برای فضاهای باز عمومی در آن‌ها دست یابد و زمینه را برای تحقیقات بعدی پیرامون علل شکل‌گیری این تفاوت‌ها فراهم کند.

از این رو سؤالات اصلی این تحقیق عبارتند از: فضاهای باز عمومی در مدینه شهرهای فاس و مکناس چگونه‌اند و چه انواعی دارند؟

فضاهای باز عمومی در مدینه شهرهای فاس و مکناس چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی از نظر عناصر منظرین و هندسه حاکم بر فضا دارند؟

این تحقیق با شیوه توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مبتنی بر مشاهدات میدانی و تکمیل اطلاعات بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، تلاش می‌کند به سؤالات فوق پاسخ دهد.

فضاهای باز عمومی نقش کلیدی در حیات شهر بازی کرده، بسترساز ارتباط مردم با یکدیگر و مردم با محیط طبیعی می‌شوند. (شکل ۱) بافت فشرده، پرتراکم و تو در تو مدینه در شهرهای کشور مراکش سبب می‌شود فضاهای باز عمومی به عنوان مکان‌هایی مکمل، نقشی پررنگ‌تر در این بافت ایفا کنند. اهمیت پرداختن به فضاهای باز عمومی در بافت تاریخی شهرهای مراکش به دلیل حفظ الگوهای اصیل و ساختار تاریخی این شهرها است. بروز و نمود فضاهای باز عمومی در مقاطع زمانی و مکانی متفاوت و شرایط و محیط اجتماعی مختلف، یکسان نیست. از همین رو بررسی این دسته فضاها در قالب مقایسه، بستر مناسب‌تری را برای شناخت فراهم می‌کند. در همین راستا دو شهر فاس و مکناس به سبب نزدیکی شاخصه‌های جغرافیایی و شباهت‌های کارکردی همچون پایتخت بودن، در این پژوهش مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرند. فضاهای باز عمومی در شهرهای فاس و مکناس در قامت‌های متفاوتی حضور و بروز می‌یابند. به عبارت دیگر در چیدمان، همجواری‌ها، مقیاس، هندسه و چگونگی فضاهای باز عمومی در این دو شهر تفاوت‌هایی چشمگیر دیده می‌شود. برای درک صحیح فضاهای باز متنوع و تحلیل و بررسی چگونگی شکل‌گیری آن‌ها، ابتدا لازم است به شناختی درست از این گونه فضاها دست یافت. به عبارت

دیگر شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های فضاهای باز عمومی مختلف در دو شهر فاس و مکناس، می‌تواند بستر را برای تحلیل و طرح مطالعات بعدی پیرامون علل زیربنایی شکل‌دهنده به این دسته از فضاهای باز فراهم کند. از این رو این مقاله تلاش می‌کند با مذاقه در انواع فضاهای باز عمومی موجود در دو شهر مهم فاس و مکناس که هر دو در دوره‌هایی از تاریخ مراکش، پایتخت این کشور بوده‌اند

نظرپردازان فضای باز شهری

نظریه‌پردازان فضاهای باز شهری به مسائلی همچون عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی (چرمایف)، توجه به عناصر و جنبه‌های کالبدی عرصه عمومی شهر (کریر و روسی)، حس مکان و مقیاس فضاهای باز عمومی (مامفورد)، معرفی انواع فضاهای شهری و تبیین اصول طراحی هر یک با رویکرد بومی (پاکزاد)، تأکید بر عرصه‌های عمومی شهر به عنوان مکان سوم بعد از خانه و محل کار (اولدنبرگ) و تحلیل چیدمان فضا (هیلییر) پرداخته‌اند (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹).

به اعتقاد کالن، در حالی که شیریان‌های سواره، هویت فردی را از بین می‌برند، وجود شبکه‌ای اندیشیده از راه‌های پیاده، الگویی انسانی به وجود می‌آورد (Cullen, 1961: 54). مانتین به مطالعه طرح

عرصه عمومی شهر شامل خیابان‌ها، بلوارها، میدان‌ها و پارک‌ها، اشاره می‌کند (گلیف، ۱۳۸۷: ۱۱). زوکر معتقد بود که فضا به کمک تجربه حرکت انسان درون آن، ادراک می‌شود (Zucker, 1970: 6). یان گل محور اصلی پژوهش‌های خود را بر روی تعامل مسائل جامعه‌شناسی و روانشناسی با فضاهای همگانی شهری متمرکز نموده و کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کرده است.

ایده‌پردازان فضاهای عمومی شهری را با توجه به رویکرد و آرا و عقایدشان می‌توان به طور کلی در شش گروه دسته‌بندی کرد. این گروه‌بندی و مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن‌ها عبارتند از:

- نظریه‌پردازان با رویکرد ملاحظات پایداری و محیط زیستی: سرگئی چرمایف، هوگ بارتون، کولین هانترو و ریچارد راجرز.
- نظریه‌پردازان با تأکید بر ادراک بصری و فضایی: کامیلو سیت،

مشاوره برنامه‌ریزی لندن برای پارک‌ها ۷ کارکرد برمی‌شمرد که عبارتند از: تفریحی، ساختاری، رفاهی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی. جدا کردن فضای شهری و فضای سبز از دیگر تقسیم‌بندی‌هایی است که صورت گرفته است (Woolley, 2003). برخی از ایده‌پردازان فضاهای عمومی شهر نیز در خلال مطالعات خویش به ارایه دسته‌بندی‌هایی از فضاهای عمومی شهر می‌پردازند. هالپرین در بررسی سلسله مراتب فضاهای باز شهری ابتدا به خیابان، سپس میدان‌های کوچک در مقیاس محله و پارک‌های محلی و در نهایت فضای باز روی بام اشاره می‌کند (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹: ۱۰۱). تأکید اصلی کلر کوپر مارکوس، فضاهای شهری و مردمی که در آن قرار دارند، است. در کتاب مکان‌های مردمی، او و همکارانش به ارزیابی محیط سکونتی می‌پردازند و فضاهای شهری را به ویژه از منظر ایجاد ارتباطات اجتماعی در ۷ گروه دسته‌بندی می‌کنند؛ پلازاهای شهری، پارک‌های محله‌ای (واحدهای همسایگی)، پارک‌های جمع و جور، فضاهای باز مدارس، فضای باز مسکونی ویژه سالمندان، فضاهای باز ویژه نگهداری و بازی کودکان، فضاهای باز درمانی (بیمارستان‌ها) (رضایی، ۱۳۸۳: ۵۸) این دسته‌بندی‌ها اغلب از نقطه نظر برنامه‌ریزان، طراحان و مدیران فضاهای باز برای توسعه و بازسازی ارایه می‌شود. در این میان توجه به تجربه شخصی بازدیدکنندگان خصوصاً در مقیاس معینی از بافت شهری نباید از نگاه پژوهش‌های مرتبط با گونه‌شناسی فضاها باز بماند. بررسی، شناخت و گونه‌شناسی فضاهای بازی که روزانه توسط مردم در محدوده بافت قدیم (در شرایطی که بافت به صورت نسبتاً دست نخورده به حیات خود در طول تاریخ شکل‌گیری‌اش ادامه داده است) مورد استفاده و تجربه قرار می‌گیرند، زمینه را برای شناخت عمیق‌تر از زندگی و تفکر سازندگان و کاربران در گذشته و حال آن فضا فراهم می‌سازد. از این رو این پژوهش تلاش می‌کند بر پایه مشاهدات میدانی، فضاهای باز عمومی موجود در مدینه دو شهر فاس و مکناس را بررسی کرده و الگوهای غالب موجود را استخراج و ارایه کند.

انواع فضاهای باز عمومی در مکناس

شهرهای رباط، مراکش، فاس و مکناس هر کدام در دوره‌هایی پایتخت کشور مراکش بوده‌اند. مکناس کوچک‌ترین شهر در بین آن‌هاست که از سال ۱۶۷۵ تا ۱۷۲۸ همزمان با اوایل حکومت علویان پایتخت مراکش بود. فاس شش بار در طول تاریخ و مکناس یک‌بار در قرن ۱۷ پایتخت مراکش بوده‌اند. فضاهای عمومی مکناس را می‌توان به طور کلی به میدان شهری و مراکز محله که در تقاطع معابر درون بافت شکل گرفته‌اند تقسیم کرد. در این شهر برخلاف بسیاری از دیگر شهرهای کشور مراکش از

گوردون کالن، راب کریر، آلدو روسی، کلیف ماتین، کریستوفر الکساندر، علی مدنی پور و جهان‌شاه پاکزاد.

- نظریه‌پردازان با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی: حنا آرنه، پاول زوکر، جین جیکوبز، ویلیام وایت، یان گل، اولدنبرگ و کلر کوپر مارکوس.

- نظریه‌پردازان با تأکید بر گسترش پیاده‌مداری: تونی گارنیه، اشپرای رگن، لارنس هالپرین، ادموند بیکن، هیلپیر و مایکل ای آرث.

- نظریه‌پردازان با رویکرد امنیت و انسان‌مداری در فضای شهری: لوئیس مامفورد، فرانسیس تیبالدز، آندره دوآنی، پیتر کتر، الیزابت پیلاتر زیبرگ، الزلینکا و دین برنان.

- نظریه‌پردازان با ملاحظات محیطی و رفتاری: کوین لینچ، آموس راپاپورت، رومدی پاسینی، التمنت، هولویل، مور، جان لنگ و حسین بحرینی (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹).

دسته‌بندی فضای باز

فضای باز موضوعی مشترک در میان رشته‌های مختلفی چون معماری منظر، شهرسازی و طراحی شهری است. عملکردهای فضای باز چند وجهی و چندگانه است. اهمیت فضای باز از منظرهای مختلف اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، زیبایی-شناسی و سلامت نیاز به تشریح نداشته و از همین روست که تحقیقات در رابطه با ارزیابی و دسته‌بندی فضاهای باز در مهر و موم‌های اخیر افزایش یافته است.

گروه‌بندی فضاهای باز شهری به انواع و دسته‌بندی‌ها، بارها به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گرفته است. چنین گروه‌بندی‌هایی اغلب به یک گونه‌شناسی یا یک سلسله مراتب فضاهای باز شهری منجر شده است (Woolley, 2003: 7). لینچ^۱، دسته‌بندی پارک‌های منطقه‌ای، میدانی، پلازاهای پارک‌های خطی، زمینه‌ای ماجراجویانه، زمین‌های بازی و زمین‌های بایر را برای فضاهای باز ارایه می‌کند. کمیته مشاوره برنامه‌ریزی لندن^۲، سلسله مراتبی شامل پارک‌های کوچک محلی، پارک‌های محلی، پارک‌های برزی، پارک‌های کلان شهری، پارک‌های منطقه‌ای و فضاهای باز خطی را عنوان می‌کند. موسسه مدیریت سازگاری و اوقات فراغت^۱ دسته‌بندی بر مبنای کاربری فضاها ارایه می‌کند که فضاهای شهری و روستایی را دربرمی‌گیرد و همچنین حاوی ارزش‌های فرهنگی و بصری نیز است. تراورس مورگان^۴ در ۱۹۹۱ رویکرد دسته‌بندی سلسله مراتبی را مورد نقد قرار داده است. فضای باز بر مبنای عملکرد نیز دسته‌بندی شده است، فراهم کردن آرامش و استراحت، حفاظت حیات وحش، منابع کشاورزی و طبیعی، مناظر و شکل دادن و کنترل شهرنشینی توسط اکوپیشنهاد شده است. در مطالعات متأخر، کمیته

اسماعیل بوده که بناهای شاخصی در اطراف این میدان قرار داشته است. امروز تنها مسجد لاله عوده از آن میان پابرجاست. بخش وسیعی از کاخ‌ها توسط پسر سلطان مولای عبدالله تخریب شده است (Rogerson, 2000) (تصویر ۲).

فضاهای باز به عنوان مرکز محله

در محل تقاطع معبرهای درون مدینه مکناس، گشایش‌های فضایی وسیع، تا حدودی هندسه‌مند و با حضور عنصر شاخص گیاهی (اغلب درخت توت) در مرکز این فضا دیده می‌شود. این فضاها گاه در هم‌جواری فضاهای عمومی چون حمام و سقایه شکل می‌گیرند. (تصاویر ۳ و ۴). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود در شهر مکناس، میدان پیاده در محل تقاطع مدینه و محدوده شاهنشاهی با هندسه‌ای نزدیک به مستطیل خودنمایی می‌کند و این نوع میدان در بخش شاهنشاهی با هندسه‌ای قوی‌تر تکرار می‌شود. از سوی دیگر گشودگی واقع در محل تلاقی معابر درون بافت مسکونی هندسه‌مند و با حضور عناصر گیاهی شکل می‌گیرد.

فضاهای باز عمومی در فاس

سلسله مراتب فضایی در مدینه فاس بسیار قوی به چشم می‌خورد به گونه‌ای که معبرهای اصلی به کاربری بازار اختصاص دارند و با عرضی بیشتر و معابری که به خانه‌های مسکونی ختم می‌شود با عرضی کمتر از معابر اصلی منشعب می‌شود. یکی از خصلت‌های رایج بافت قدیم فاس عدم حضور درخت در فضای باز عمومی است. در بافت مدینه فاس جز در ۲ مورد در فضای باز عمومی درختی مشاهده نشد (تصاویر ۵ و ۶).

جمله فاس، فضاهای باز عمومی که در مقیاس کلان شهری عمل می‌کنند مانند میدان الهدیم و میدان لاله عوده به چشم می‌خورد. انواع گونه‌های فضای باز عمومی مشاهده شده در بافت قدیم شهر مکناس به قرار زیر است.

میدان پیاده در مقیاس شهری

• میدان الهدیم

میدان الهدیم میدانی شهری در حد فاصل بخش شاهنشاهی و مدینه شهر مکناس است. این میدان ۴ ضلعی نسبتاً منظم به ابعاد حدودی ۱۲۵ متر در ۵۵ متر است. (تصویر ۱ و ۲) در راستای محور طولی میانی این میدان در یک‌سو دروازه معروف باب المنصور و در سوی دیگر یک سقایه‌ای (آبنما) در کنار موزه دارالجامعی قرار دارند که البته دقیقاً در میانه ضلع قرار نگرفته‌اند. این میدان در زمان احداث، فضایی برای اعلان‌ها و اعدام‌های حکومتی بوده که در روزگار فعلی فضایی جمعی است که پیرامون آن رستوران‌هایی با غذاهایی محلی قرار دارند و زندگی شبانه‌ی بسیار فعالی دارد به نحوی که در ساعات پس از غروب آفتاب میدان مملو از جمعیت است.

• میدان شاهنشاهی لاله عوده

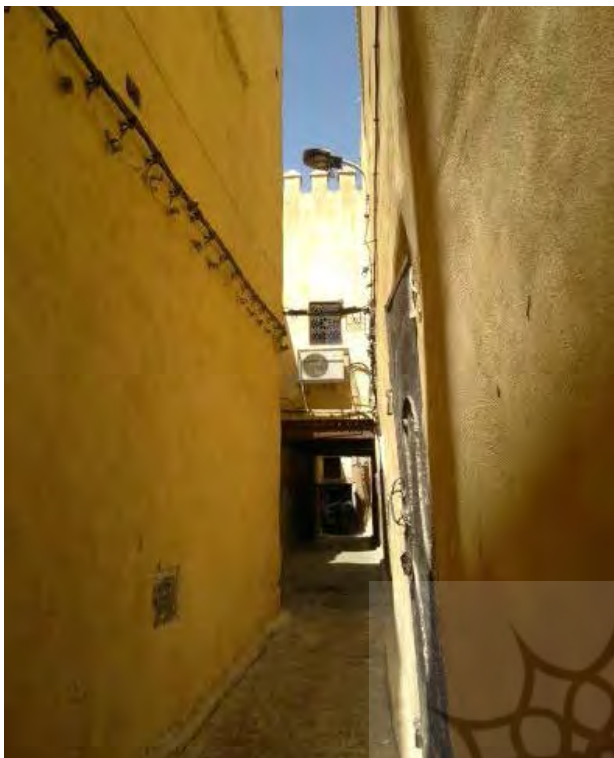
میدان لاله عوده واقع در بخش شاهنشاهی شهر در زمان مولای اسماعیل ساخته شده و محل ملاقات‌های عمومی شاه بوده است. (Honnor, 2008) میدانی هندسی و وسیع، که عناصر گیاهی چون درخت نیز در آن یافت می‌شود. البته بنا به گفته راجرسون گیاهان در سال‌های اخیر در میدان کاشته شده است. ظاهراً این میدان در زمان ساخت محدوده محصور تشریفاتی مجموعه کاخ‌های مولای



تصویر ۲. میدان لاله عوده در سمت راست تصویر و میدان الهدیم در سمت چپ، مکناس، مأخذ: googleearth



تصویر ۱: میدان الهدیم، مکناس. عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



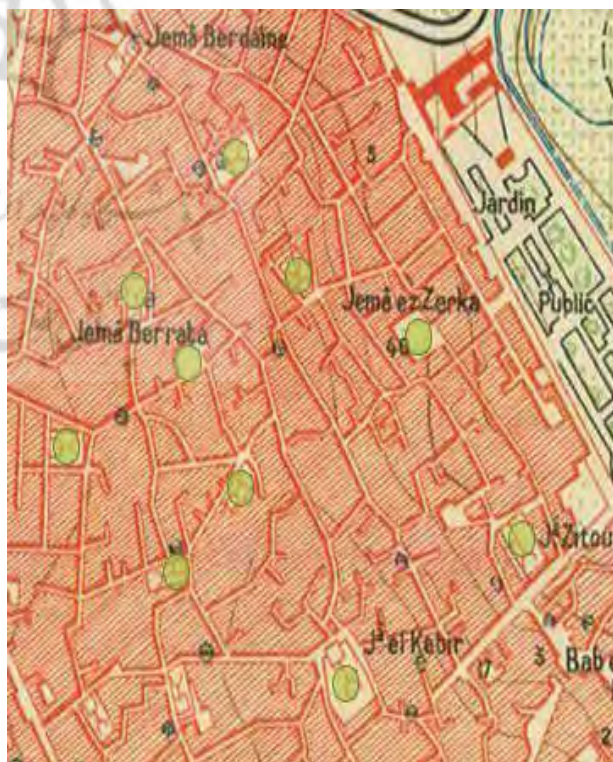
تصویر ۵. معبر فرعی مختوم به بناهای مسکونی، فاس، عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



تصویر ۳. مرکز محله‌ای در مدینه مکناس، عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



تصویر ۶. معبر اصلی بازار، فاس، عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



تصویر ۴. موقعیت فضاهای باز در مدینه مکناس. عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.

در واقع این گشودگی هندسه‌ای نزدیک به مثلث دارد به نحوی که ضلع اصلی مثلث نمای فندق نجارین است و با قرار گرفتن در فضا نگاه به سمت آن جهت‌گیری خواهد داشت. در این گشایش فضایی سقاییه هم حضور دارد اما فضا عاری از هر گونه گیاه است. در محدوده باز مقابل مدرسه محمدیه صفارین گشایش فضایی همانند فضای باز عمومی مقابل کاروانسرای نجارین هندسه مشخصی نداشته و حدودا نزدیک به مثلث است. تفاوت این نوع از گشایش فضایی با قبلی در حضور درختی تنومند در این فضا است.

فضای باز مسقف در محل ورودی بناهای شاخص

به غیر از کاروانسرای نجارین و مدرسه محمدیه صفارین در سایر بناهای شاخص واقع در مدینه فاس همچون مدرسه بوعلانیه و مسجد قراوین تغییر منظرین گذر در قالب پوشش بر فراز معبر در قامت ساباط نمایان می‌شود و بدین ترتیب خبر از مکث و حضور بنایی می‌دهد (تصویر ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۸. فضای مشترک با در از معبر اصلی در واحدهای همسایگی، فاس. عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.

فضای نیمه باز واحد همسایگی

از جمله فضاهای باز شاخص در بافت مدینه فاس فضاهای نیمه‌باز مسقف در حکم فضای مشترک واحدهای همسایگی است. این فضاها گاهی با در، گاهی بدون در، از معبر فرعی جدا و بین چند واحد مشترک تعریف می‌شود. اغلب این فضاها گشایش‌هایی در دیوار به سان پنجره بدون شیشه و حفاظ دارند و همگی مسقف هستند (تصاویر ۷ و ۸).

گشودگی فضای باز در محل تقاطع معابر مقابل بناهای شاخص

در مدینه فاس به ندرت در محل تقاطع معبرها گشودگی فضا رخ می‌دهد. دو مورد از این نوع گشایش فضای باز در فاس در محل تقاطع معابر در مقابل کاروانسرای نجارین و دیگری در مقابل مدرسه محمدیه صفارین اتفاق می‌افتد (تصاویر ۹ و ۱۰ و ۱۱). این گشایش فضایی در محل کاروانسرای نجارین به گونه‌ای اتفاق می‌افتد که فرصت برای تماشای نمای پرکار این بنا فراهم آید.



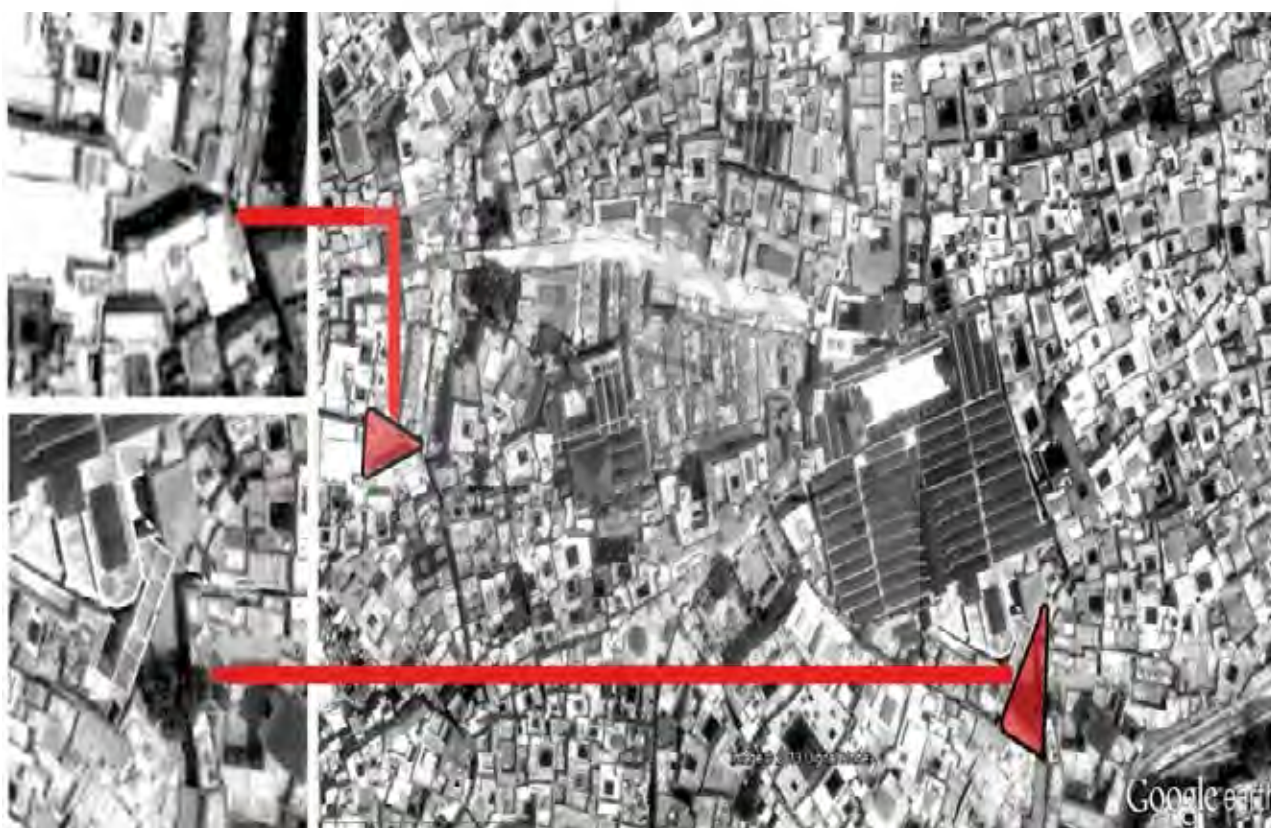
تصویر ۷. فضای مشترک بدون در از معبر اصلی در واحدهای همسایگی، فاس، عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۰. فضای باز مقابل مدرسه صفارین، فاس. عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



تصویر ۹. فضای باز مقابل کاروانسرای نجارین، فاس، عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۱. موقعیت گشودگی‌های مقابل کاروانسرای نجارین و مدرسه صفارین، فاس. مأخذ: www.googleearth.com.



تصویر ۱۳. مسقف شدن معبر در محل ورودی مدرسه بوغانیه، فاس.
عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۲. مسقف شدن معبر در محل ورودی مسجد قراوین، فاس،
عکس: سجاد مؤذن، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۴. گشایش فضایی در محل تقاطع معابر، فاس.
عکس: شینا صبرنجی، ۱۳۹۵.

گشایش‌هایی در معابر بافت

گاه‌گاه گشایش‌های فضایی بدون هندسه مشخص در درون بافت مدینه در محل تقاطع معابر شکل می‌گیرد. (تصویر ۱۴) در این گونه فضاها اغلب سقایه نیز وجود دارد. گاهی هم در مسیر اصلی به دلیل وجود یک سقایه معبر در این محل عریض‌تر می‌شود. (تصویر ۱۵) تعدد این گونه فضاها در بافت مدینه فاس زیاد نیست. بدین ترتیب در مدینه شهر فاس فضاهای باز عمومی بزرگ مقیاس با هندسه مشخص یافت نمی‌شود. گشودگی فضا، آن هم به ندرت تنها در مقابل بناهای شاخص دیده می‌شود که آن نیز فاقد هندسه مشخصی است.

تحلیل و بررسی گونه‌های فضای باز عمومی در دو شهر فاس و مکناس

به طور کلی می‌توان گونه‌شناسی فضاهای باز عمومی در مدینه دو شهر مکناس و فاس را می‌توان در جدول ۱ خلاصه کرد:
جدول فوق نشان می‌دهد فضای باز عمومی در دو شهر فاس و مکناس تفاوت‌های بارزی در زمینه شکل، ابعاد و کاربری دارند. یکی از تفاوت‌های شاخص بین انواع فضاهای باز عمومی در فاس و

جدول ۱. گونه‌های مختلف فضای باز عمومی در فاس و مکناس، مأخذ: نگارنده.

انواع گونه‌های فضای باز عمومی					
مقیاس محله			مقیاس مدینه		
گشایش‌های واحدهای همسایگی	گشایش‌های فضای باز در تقاطع معابر		فضای مسقف در مقابل بناهای شاخص	گشایش‌های مقابل بناهای شاخص	میدان حکومتی
	بدون شکل هندسی منظم	با شکل هندسی منظم			
●	●		●	●	-
-		●	-	-	●

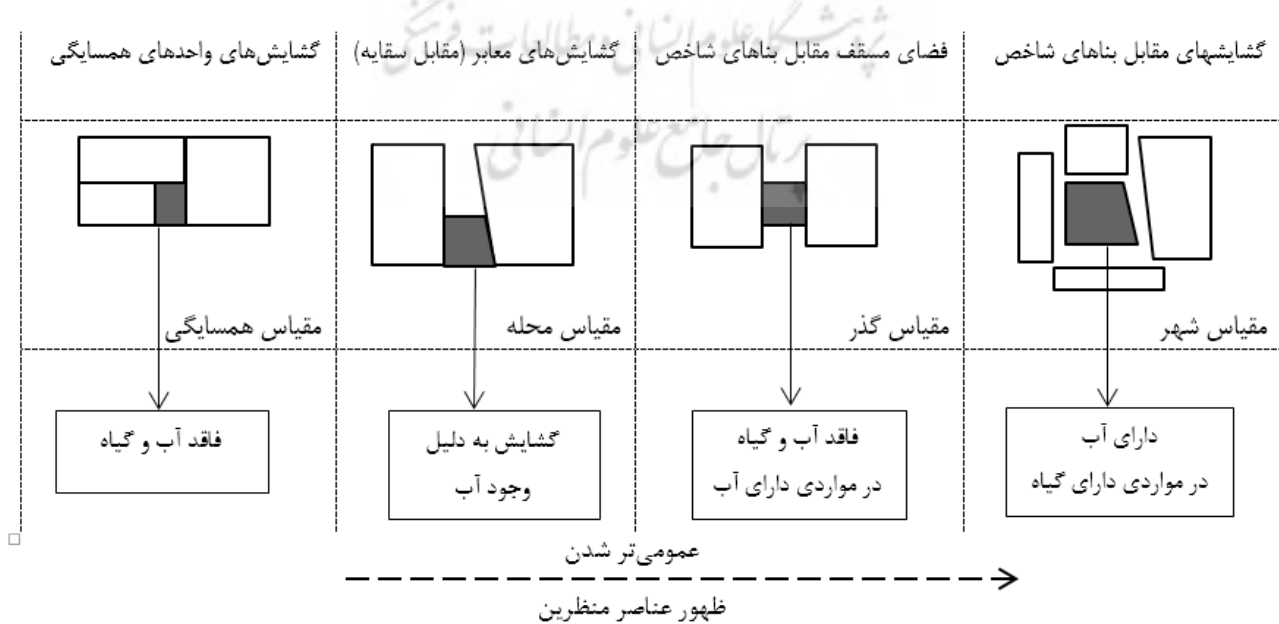


تصویر ۱۵. گشایش فضایی در معبر اصلی به سبب حضور سقایه، فاس. عکس از سجاد مؤذن، ۱۳۹۵.

مراتبی از فضاهای باز عمومی از مقیاس خصوصی و نیمه خصوصی در بخش مسکونی تا فضای شهری دیده می‌شود. این موضوع در جدول ۲ جمع‌بندی شده است.

مکناس وجود میادین حکومتی در شهر مکناس است. از سوی دیگر قابل ذکر است که گرچه فضای باز عمومی در شهر مکناس دربردارنده فضاهای متعالی‌تری به لحاظ شکل هندسی و فضای عمومی در مقیاس کلان است اما در شهر فاس سلسه

جدول ۲. سلسله مراتب در فضای باز عمومی شهر فاس در مقیاس‌های مختلف از محله تا شهر، مأخذ: نگارنده.



کیفیت فضای باز عمومی به سبب وجود فضای سبز و عناصر آبی، هم به دلایل فیزیکی و عینی و هم بنا به دلایل ذهنی و روانی؛ افزایش می‌یابد. همچنین هندسه حاکم بر فضا، می‌تواند به نیازهای مادی و به جنبه‌های فرهنگی و استعاری حاکم بر تفکر سازندگان اشاره داشته باشد. از این‌رو به منظور مقایسه و تحلیل بهتر گونه‌های مختلف فضای باز عمومی در این پژوهش، عناصر اصلی فضا سازی منظر یعنی گیاه و آب، هندسه و نظم فضایی و وجود عناصر مکملی چون فضای نشست و تعامل، در گونه‌ها مورد بررسی، و در قالب جدول ۳ ارائه می‌شود. از اطلاعات موجود در این جدول می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد:

- گشایش‌های فضای باز در محل تقاطع معابر در شهر مکناس به دلیل حضور عناصر منظر (هر دو عنصر گیاه و آب) و داشتن هندسه منظم فضایی نمونه‌ای کامل‌تر از این نوع فضای باز عمومی در شهر فاس به شمار می‌رود.
- اکثر فضاهای باز عمومی در شهر فاس هندسه‌ای ارگانیک دارند این در حالیست که بیشینه فضاهای باز عمومی در شهر مکناس هندسه فضایی نسبتاً منظم دارند.
- میداين شهری تنها در شهر مکناس وجود دارد.
- سقايه به عنوان یک عنصر منظرین شاخص، در اکثر فضاهای باز

عمومی هر دو شهر دیده می‌شود.
- عنصر درخت گرچه در مراکز محله (تقاطع معابر بافت) در شهر مکناس حضوری پررنگ دارند اما در فضاهای باز عمومی شهر فاس به ندرت دیده می‌شود.

فرضیه‌هایی در شکل‌گیری فضاهای باز عمومی بزرگ مقیاس در شهر مکناس

درباره چرایی تفاوت فضای باز عمومی فاس و مکناس لازم است پژوهشی جامع و مستقل صورت گیرد؛ با این حال این مقاله با ذکر فرضیه‌هایی در این زمینه، بستر را برای تحقیقات آتی می‌گسترده. سلطان مولای اسماعیل در قرن ۱۷ پادشاه مراکش بود. در دوران سلطنت وی شهر مکناس برای نخستین بار به عنوان پایتخت مراکش انتخاب شد. اشاره به این نکته ضروری است که ایجاد میداين حکومتی و فضاهای باز هندسی در شهر مکناس در زمان سلطنت مولای اسماعیل و به دستور او شکل می‌گیرد؛ یعنی زمانی که حکومت مرکزی از ثبات برخوردار بوده و با قدرت بر کل کشور مسلط است. بنابراین در سایه این آرامش و ثبات، زمینه برای شکوفایی هنر با حمایت شاه فراهم می‌شود. در رابطه با زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری این گونه فضاهای باز عمومی، نگارنده دو فرضیه را مطرح می‌کند (Dumper, 2006 & Stanley).
در فرضیه اول شکل‌گیری چنین فضایی در مکناس، تحت تأثیر

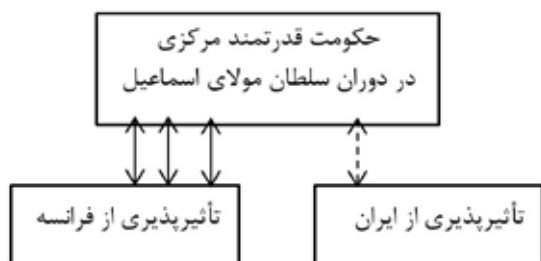
جدول ۳. مقایسه عناصر اصلی و مکمل منظر و هندسه فضایی در گونه‌های مختلف فضای باز عمومی در فاس و مکناس، مأخذ: نگارنده.

عناصر مکمل منظر	هندسه فضایی		عناصر اصلی منظر		درخت آب (در قالب سقايه)
	وجود مبلمان یا فضا سازی برای تعامل مردم	هندسه فضا	هندسه منظم	هندسه ارگانیک	
-	-	●	●	-	میدان
-	●	-	●	-	گشایش‌های مقابل بناهای شاخص
-	●	●	-	●	مدرسه صفارین
●	-	●	-	-	فضای مسقف در مقابل بناهای شاخص
-	●	-	●	-	در فاس
-	-	●	●	●	در مکناس
●	-	●	-	-	گشایش‌های واحدهای همسایگی

میدان نقش جهان است. تاریخ ایجاد میدان الهدیم بعد از ایجاد میدان نقش جهان است. بیان این مطلب ضروری است که برای قبول یا رد فرضیه دوم، مطالعات گسترده‌ای نیاز است که وجود ارتباط مستقیم دربار ایران و مراکش در عهد صفوی و دوره‌های پیشین؛ و یا سکونت احتمالی ایرانیان در این کشور مورد مذاقه قرار گیرد. از سوی دیگر نیاز است، روابط غیرمستقیم اما تأثیرگذار مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان مثال در اوایل دوره صفوی پرتغالی‌ها قلعه خود را در جزیره قشم بنا نهادند و دربار ایران و پرتغال؛ و در سال‌های بعد ایران و اسپانیا که بر پرتغال تسلط یافته بود؛ ارتباطات سیاسی داشتند، از سوی دیگر پرتغال و اسپانیا همسایگان شمالی مراکش؛ همواره در طول تاریخ و همچنین در دوره سلطنت مولای اسماعیل مراودات بسیار و گاهی تسخیراتی در مراکش داشتند، لذا بستر برای ارتباط و الگوپردازی از فرهنگ مرفعی ایران به نوعی می‌توانست فراهم باشد. همچنین اثرگذاری معماری ایرانی در جای جای شمال آفریقا خصوصاً در دوره‌های پیشین قابل مشاهده است، بنابراین ایران می‌توانسته به طور غیرمستقیم بر فرهنگ فضا سازی مغرب، به عنوان بخشی از آفریقا مؤثر بوده باشد. چنان که تأثیر باغسازی ایرانی در مجموعه کاخ-باغهای الحمراء انکارناپذیر است. همچنین برخی سردمداران که از مؤسسين سلسله فاطميين مصر به شمار می‌رفتند اصالتاً عراقی-ایرانی^۶ بودند. نگارنده با جستجوهای کتابخانه‌ای به نتیجه قطعی در مورد تأثیر ایران بر فضا سازی مراکش خصوصاً در شهر مکناس نرسیده و تنها ردپای اثرگذاری ایران در معماری و فضا سازی شمال آفریقا از مصر تا مراکش در دوره‌های مختلف قابل مشاهده است. از آنجا که پیشتر مطالعه جامع و دقیقی پیرامون تأثیر ایران در معماری، باغسازی و شهرسازی شمال آفریقا و مشخصاً مراکش صورت نگرفته^۷ که قابل استناد در این پژوهش باشد، و بررسی این موضوع به سبب گستردگی در مجال این مقاله نمی‌گنجد، در اینجا تنها احتمال اثرگذاری ایران در شکل‌گیری این دسته از فضاها در مکناس مطرح می‌شود.

موارد فوق را می‌توان در شکل ۳ خلاصه کرد. به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات کافی پیرامون ارتباط ایران و مراکش در عهد صفوی، فرضیه دوم ضعیف‌تر از فرضیه نخست ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب در پژوهش جامع دیگری می‌توان تنها به موضوع ریشه‌های عمیق‌تر ارتباط مراکش و فرانسه در قرن هفدهم پرداخت و تحقق‌پذیری این فرض را کنکاش کرد.

شکل ۳. اثرگذاری فرانسه و ایران در شکل‌گیری فضاهای باز مکناس، مأخذ: نگارنده.



فرانسوی‌ها و در نتیجه روابط سلطان مولای اسماعیل با دربار لویی چهاردهم است. در کتب تاریخی از جمله تاریخ تمدن ویل دورانت به تقاضای ازدواج سلطان مولای اسماعیل با دختر لویی چهاردهم اشاره شده است. این تقاضا به منظور تحکیم روابط دو کشور بوده که خود بیانگر روابط گسترده این دو کشور در این دوره از تاریخ است. در منابع فرانسوی مطالبی درباره ارتباط سفیر فرانسه با دربار شاه مولای اسماعیل و حتی جزئیاتی مربوط به زندگی خصوصی شاه موجود است که مؤید این ارتباط است. همچنین نقل شده که در آزاد کردن شهری که پنج ماه در محاصره اسپانیایی‌ها بود؛ لویی چهاردهم، شاه مولای اسماعیل را یاری رسانده است (دایرالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷). تا اینجا وجود ارتباط نزدیک بین مراکش و فرانسه روشن است. پس از رد تقاضای خواستگاری سلطان مولای اسماعیل (که به گواهی تاریخ، زنان و فرزندان بسیاری داشت) توسط دختر لویی چهاردهم، سلطان اعلام می‌دارد؛ مصمم به ساختن ورسای مراکش در مکناس است (Dumper, 2006 & Stanley). مکناس شهری است که امروز به لحاظ ساختاری، به سهولت می‌توان آن را به دو بخش سلطنتی و بافتی که عموم مردم در آن ساکن هستند، تقسیم کرد. ساخت بناهای متعدد برای سکونت خانوادگی شاه پیش از آن در این سطح وسیع در مراکش سابقه ندارد و بنا به ادعای سلطان، می‌تواند برگرفته از ساختار سلطنتی فرانسه، کاخ‌ها، باغ‌ها و تالارهای ورسای باشد. مولای اسماعیل مجموعه‌ای از کاخ‌ها، باغ‌ها و مساجد را در مکناس بنا نهاد. بخش سلطنتی خود شامل تمامی مراکز مورد نیاز از جمله مسجد اختصاصی لاله عوده و میدان وسیع حکومتی است. مولای اسماعیل برای نمایش شکوه و اقتدار خود، خانه‌هایی را از قسمت غربی مدینه شهر مکناس در هم‌جواری بخش سلطنتی، تخریب و میدان الهدیم را ایجاد کرد که نام میدان هم اشاره به انهدام این بافت تاریخی دارد. بدین ترتیب مولای اسماعیل به شهر مکناس رنگ و بویی سلطنتی بخشید. در منابعی ذکر شده که پادشاه برای ساختن قصر خود در مکناس از مواد و مصالح موجود در ولوبیلیس (محوطه رومی مربوط به قرن سوم پیش از میلاد) نیز استفاده کرده است. لذا به نمایش گذاشتن شکوه و قدرت شاه با ایجاد فضاهای بزرگ مقیاس و پرتزئین همچون کاخ‌ها، سردرها (دروازه باب المنصور) و میادین حکومتی که از مؤلفه‌های معماری قرن هفدهم فرانسه (دوره باروک) به شمار می‌آید؛ به خوبی در معماری و شهرسازی مکناس در این دوره، قابل مشاهده است. بدین ترتیب ارتباط نسبتاً نزدیک شاه با فرانسوی‌ها از یک‌سو و عدم وجود این گونه فضاها در سایر شهرهای مراکش از سوی دیگر، این احتمال را قوت می‌بخشد که مولای اسماعیل در شکل‌دهی فضاهای مکناس تحت تأثیر تفکر فرانسوی‌ها بوده است.

فرضیه دوم تأثیر فرهنگ و تمدن شرق و ایران بر فضا سازی و شکل‌گیری انواع مرفعی مراکز محله در شهر مکناس است. ایران به عنوان یک تمدن کهن، با تجربه بالای زیست، تجارب متعالی در زمینه شهرسازی و باغسازی داشته است. دوره پادشاهی سلطان مولای اسماعیل همزمان با عصر صفوی در ایران است که به نوعی اوج معماری مرفعی، باغسازی متعالی، ایجاد باغشهر اصفهان و

نتیجه‌گیری

معماران و سازندگان بنا و اندیشه مردم عام در برآوردن نیازهای خویش؛ را در شکل‌گیری انواع فضاهای باز مؤثر بدانیم، با مرور سابقه تاریخی شهر مکناس، می‌توان به این نتیجه رسید که شکل‌دهی فضاهای باز عمومی در این شهر بیشتر تحت تأثیر اندیشه حاکمان (به ویژه شاه مولای اسماعیل) و اندیشه معماران و سازندگان بنا بوده است. شهر فاس در طول تاریخ همواره موقعیت سیاسی ویژه‌ای در کشور مراکش داشته و در دوره‌هایی که پایتخت آن کشور بوده است، دولت مرکزی از اقتدار تامی بر کل کشور برخوردار نبوده، از این رو بیشتر توجه حاکمان صرف آرام‌سازی و خنثی کردن استقلال‌طلبی‌های درون کشوری و تهاجمات خارجی شده است. از این رو به نظر می‌رسد در این شهر به نسبت مکناس، پادشاهان نقش کم‌رنگ‌تری در شکل‌دهی فضای باز عمومی شهر داشته و این دسته از فضاها عمدتاً بر پایه نیازهای مردم و به مدد معماران شکل و گسترش یافته است.

بررسی انواع فضاهای باز عمومی در دو شهر تاریخی فاس و مکناس در مراکش نشان می‌دهد دو سبک متفاوت در فضاهای باز عمومی مدینه این دو شهر ملاحظه می‌شود. سبک نخست در پاسخ به نیازهای اولیه شکل می‌گیرد و فضاسازی‌ای ارگانیک دارد، از این رو گشایش‌های فضایی لزوماً دو عنصر شاخص منظر یعنی درخت و آب را توأمان ندارند و فضا عاری از هندسه منظم است. این سبک از فضاسازی در بخش‌های مختلف مدینه فاس به چشم می‌خورد. در سبک دوم تمایل به هندسه‌مند کردن انواع مختلف فضاهای باز به وضوح دیده می‌شود و در اکثر فضاهای باز عمومی هر دو عنصر منظرین و در پاره‌ای، یکی از دو عنصر دیده می‌شود. به طور کلی به نظر می‌رسد فضاسازی در شهر مکناس برای تعاملات اجتماعی چه در مقیاس کلان (ارتباط حکومت با مردم) و چه در مقیاس خرد محله (ارتباط مردم با مردم) قوی‌تر بروز می‌یابد. اگر سه اندیشه‌ی تدابیر و تصمیمات حاکمان و پادشاهان، تدابیر

پی‌نوشت

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی مراکش» است که در سال ۹۵ و ۹۶ در پژوهشکده نظر انجام و سفر مطالعاتی آن به مقصد ۱۲ شهر مراکش در شهریور ۹۵ برگزار شد.

۱. Lynch

۲. London Planning Advisory Committee

۳. Institute Of Leisure & Amenity Management

۴. Traverse Morgan

۵. Eckbo

۶. صلاح‌الدین ایوبی متولد عراق، که در زمان خلیفه عباسی ایران و عراق یک کشور پهناور یکپارچه بودند.

۷. شیلابلر در کتاب هنر و معماری اسلامی به جنبه‌هایی از شباهت معماری آفریقا به ایران اشاره کلی می‌کند.

فهرست منابع

- دوران، ویل. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن (جلد نهم)، گروه مترجمان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضایی، محمود. (۱۳۸۳). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی شهری، رساله دکترای شهرسازی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- کاشانی‌جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، هویت شهر، ۴ (۶): ۹۵-۱۰۶.
- کلیف، ماتین، شرلی، پیتیر. (۱۳۸۷). طراحی فضاهای شهری با محوریت توسعه پایدار. ترجمه: ناریسیس سهرابی ملایوسف. تهران: انتشارات ثامن الحجج، چاپ اول.
- ۱۳۷۷، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۸، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- Cullen, G. (1961). *The concise Townscape*, London: Architectural Press.
- Dumper, M. & Stanle, B. (2006), *Cities of the Middle East and North Africa: A Historical Encyclopedia*, United states.
- Honnor, J. (2008). *Morocco Footprint Handbook*, England: Footprint Handbooks.
- Rogerson, B. (2000). *Marrakesh, Fez, Rabat*, England: New Holland Publishers.
- Woolley, H. (2003). *Urban open spaces*, London: Spon Press.
- Zucker, P. (1970). *Town and Square; From the agora to the village Green*, Massachusetts: The MIT Press.